

جغرافیا (فصلنامه علمی - پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران)  
دوره جدید، سال دوازدهم، شماره ۴۲، پاییز ۱۳۹۳

## ساخت معماری و کارکرد اجتماعی - فرهنگی حمام صفا در شهر قزوین

نصرالله عسگری<sup>۱</sup>

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۷/۱، تاریخ تایید: ۱۳۹۲/۹/۲۰

### چکیده

مطالعه ارائه شده گزارشی است از یک پژوهش میدانی - کتابخانه‌ای در شهر قزوین. موضوع مورد مطالعه به یکی از حمام‌های شهر قزوین به نام حمام صفا اختصاص دارد. این پژوهش از تکنیک‌های مشاهده و مصاحبه بهره جسته است. در این پژوهش صاحب حمام فعلی اطلاعات ارزشمندی را در زمینه معماری و تغییراتی که با توجه به شرایط زمان متحمل شده از یک سو، و نقشی را که این بنای زیبا در زندگی روزمره مردم در برگزاری مراسم گوناگون و تشریفات خانوادگی و ... داشته و دارد از سوی دیگر، در اختیار پژوهشگر قرار داده است.

در این پژوهش سعی ما بر این بوده که ابتدا از معماری این بنای باشکوه و بی‌نظیر نه تنها در قزوین بلکه، در سراسر ایران آگاهی یابیم، آنگاه کارکرد اجتماعی و فرهنگی تقریباً ناشناخته آن را بیشتر مورد شناسایی قرار دهیم.

کلیدواژگان: حمام صفا، معماری، کارکرد اجتماعی - فرهنگی، شهر قزوین.

---

۱ عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی<sup>(ه)</sup> قزوین

**مقدمه**

مردم ایران، چه پیش و چه بعد از ظهور اسلام به پاکیزگی اهمیت زیادی می‌دادند. اما بعد از ظهور اسلام این موضوع تشدید شده است (پیرنیا، ۱۳۷۴: ۱۹۷). زیرا همانطور که می‌دانیم هر فرد مسلمان برای اقامه هر نمازی اعم از واجب و مستحب و لمس کردن اشیاء متبرک و وارد شدن به مکانهای مطهر ملزم به وضو گرفتن است (محمودی، ۱۳۷۰: ۴۹). از این رو است که حمامهای عمومی یکی از ضروریات زندگی مردم در روستاها و شهرها بوده و بسیاری از مردم به قصد تطهیر و غسل از آنها استفاده می‌کرده‌اند. البته از حمام تنها برای نظافت استفاده نمی‌کردند، بلکه برای رفع خستگی و تخفیف دردها و معالجه برخی بیماریها، حجامت، رگ زدن، خودآرایی، خضاب و حناملیدن به ناخنها و موی سر و ریش و یا تراشیدن موی سر و صورت استفاده می‌شده است. در ضمن در گذشته حمام جای مناسبی برای ملاقاتها و گفتگوهای دوستانه مردان و زنان و خواستگاری دختران و تشخیص زشتی و زیبای آنان نیز بوده است (راوندی، ۱۳۷۲: ۵۰۵-۴۹۵). همچنین، بسیاری از مراسم گوناگون و تشریفات خانوادگی در حمام برگزار می‌گردید، مانند حمام بردن عروس همراه مشاطه و داماد باساز و دهل، یا حمام زایمان بانوان، یا دعوت به حمام جهت پایان دادن به مراسم سوگواری و عزاداری یا حنابستن و اصلاح موهای سر و صورت بازماندگان شخص متوفی که بوسیله یکی از بزرگان محلی توأم با پذیرایی و مهمانی و یا حمام ختنه‌سوران پسر بچه‌ها و بسیاری از امور دیگر که هر یک با رسم و آیین خاصی انجام می‌گرفت. بالاخره برخی از حمامهای قدیمی منشأ حوادث بزرگ و شاهد مناظر پرهیجانی بوده که گاهی بر اثر آنها مسیر تاریخ یکباره تغییر یافته و دگرگونیهای کلی در سرنوشت جامعه پدید آورده است. مانند حمام فین کاشان که امیرکبیر را در آن به قتل رساندند (نراقی، ۱۳۶۸: ۳۵).<sup>۱</sup>

با توجه به آنچه گفته شد بررسی حمامهای سنتی از بُعد معماری، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و... و حفظ و مرمت آنها به عنوان میراث فرهنگی جهت شناساندن آنها به مردم و نسلهای آینده اهمیت ویژه‌ای دارد. در این بررسی ما حمام صفا را از لحاظ معماری از یک طرف و برخی

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک: هوشنگ جاوید، همایش حمام در کرمان، ۱۱۵.

کارکردهای اجتماعی - فرهنگی آن از طرف دیگر مورد پژوهش قرار داده‌ایم. امید است که در آینده بتوانیم جنبه‌های دیگر این بنای تاریخی را مورد کنکاش قرار دهیم تا اهمیت آن بر آیندگان آشکار شود.

### طرح مسئله و ضرورت انجام تحقیق

میراث فرهنگی هر ملتی بیانگر جنبه‌هایی از نبوغ و خلاقیت آن ملت، تداوم باشکوه و اسرارآمیز آن چیزی است که مردم آن سرزمین در طی قرون و اعصار آفریده‌اند. شناسایی، حفاظت و معرفی این یادمان‌های کهن در شکل دادن به هویت فرهنگی ملت‌ها نقش عمده‌ای ایفا می‌نماید (آورزمانی، ۱۳۷۸: ۴۷). حمام‌ها بخشی از این میراث به‌شمار می‌آیند. در سرزمین پهناور ایران حمام‌های متعدد و متنوعی از ادوار مختلف بر جای مانده که بخشی از آنها مربوط به دوران قاجار است. دریغا که بعضی از این بناها بر اثر عوامل مخرب طبیعی و اعمال غیرمسئولانه و فرهنگ ستیز آسیب جدی دیده‌اند و در بعضی موارد به کلی محو و با خاک یکسان شده‌اند، حال آنکه این بناها نمایانگر نکته‌های مهمی از فرهنگ و هنر و رویدادهای دوران خویش‌اند و بررسی آنها می‌تواند تا اندازه‌ای در درک فرهنگ حال راهگشا باشد.

استان قزوین با قدمت چند صد ساله خود یکی از حوزه‌های فرهنگی غنی کشور به‌شمار می‌رود. آثار تاریخی بجا مانده در این استان، همچون بازارها، کاروانسراها، آب انبارها، چهل‌ستون، مساجد، حمام‌ها و... گواهی بر این مدعاست. این آثار ارزشمند و ارزشهای نهفته در آنها به جزء برای عده‌ای متخصص، برای اکثریت مردم ناشناخته مانده است، شناخت این آثار، مرمت و بازسازی و معرفی کارکردهایی که آنها در زمان خود داشته‌اند نه تنها برای مردم ایران بلکه برای توریست‌هایی که علاقمند به آگاهی از فرهنگ ایران هستند جالب توجه خواهد بود. و این امر سبب پویایی صنعت گردشگری و تاثیر پیامدهای مثبت آن بر زندگی مردم این منطقه خواهد شد.

### روش تحقیق

موضوع مورد مطالعه حمام صفا واقع در شهر قزوین است. روش گردآوری اطلاعات مجموعه

روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی (مشاهده و مصاحبه) است. به عبارت دقیق‌تر در این پژوهش از روش‌های چندگانه گردآوری اطلاعات استفاده شده تا موضوع مورد نظر را بهتر مورد بررسی قرار دهیم.

### اهداف

- بررسی معماری حمام مورد تحقیق و توصیف اجزای تشکیل‌دهنده آن.
- بررسی کارکردهای اجتماعی - فرهنگی این بنای تاریخی و نقشی که در حیات جمعی مردم محله داشته است.

### بنیانگذار حمام صفا

سر دودمان خاندان امینی، حاج عبدالله تبریزی است. احتمال می‌رود مشارالیه به واسطه جنگ ایران و روس در زمان فتحعلی شاه از تبریز به قزوین مهاجرت کرده باشد. حاج عبدالله، پنج پسر به نامهای؛ حاج محمدرحیم، حاج محمدحسن، حاج محمدعلی، حاج محمدابراهیم و حاج محمدحسین داشت. پسر دوم ایشان، حاج محمدحسن، مرد وارسته و درویش مسلک بود، حمامهای مردانه و زنانه صفا، معروف به حاج محمدرحیم را او بنا کرده است (گلریز، ۱۳۶۸: ۳۲۵-۳۲۴).

### وجه تسمیه صفا و حاج محمدرحیم

واژه «صفا» در فرهنگ معین به معنی «پاک و بی‌غش و بی‌کدورت آمده است». عنوان «صفا» را از آن جهت برای این حمام انتخاب کرده‌اند که حمام نه تنها محل شستشو و تطهیر بدن از ناپاکیه‌است، بلکه آراستن و خودآرایی نیز می‌باشد. ضمناً چون این حمام در وسط بازاریچه‌ای به نام حاج محمدرحیم، فرزند اول حاج عبدالله قرار داشته، نام این حمام از اسم حاج محمدرحیم مؤسس بازارچه مأخوذ گردیده است. حمام مذکور بعد از فوت حاج محمدحسن بدست ورثه او می‌افتد و مدتها به علت درگیری و اختلاف بین بازماندگان آن مرحوم، حمام تعطیل می‌شود، در سال ۱۳۲۲، آقای علی‌اصغر سنماری سهام حمام را به قصد و نیت خیرخواهانه از بازماندگان آن مرحوم می‌خرد و چون خود به خاطر فعالیت‌های تجاری و ضیق وقت قادر به اداره آن نبود،

آن را به شخصی بنام حاج حسین جهت استفاده عموم اجاره می‌دهد. که اجاره بهای حمام هم صرف هزینه‌های جاری حمام می‌شده. این حمام تا سال ۱۳۶۰ در اختیار نام برده بود. پس از فوت ایشان در سال مذکور آقای عبدالله سنماری، آخرین فرزند آقای علی اصغر سنماری اداره حمام را به عهده می‌گیرد، که در حال حاضر حمام صفا همه روزه از ساعت ۸ صبح تا ۹ شب با مدیریت ایشان دایر است.

### معماری حمام

حمام صفا با ارتفاع متغیر از شش تا نه متر پائین‌تر از سطح زمین و با زیربنایی به وسعت ۱۶۷۰ مترمربع و با مصالحی از قبیل آجر قرمز، سنگ مرمر و ساروج در انتهای خیابان مولوی شهر قزوین احداث شده است. علت قرار گرفتن حمام در عمق زمین جهت کاهش تبادل حرارتی بین داخل و خارج فضای حمام بوده و خاک اطراف دیوارها همانند یک عایق حرارتی عمل کرده و میزان تبادل حرارت بین داخل و خارج ساختمان را کم می‌کند. همچنین بدنه ضخیم حمام به علاوه خاک مجاور آن همانند یک خازن حرارتی عمل کرده و در تعدیل نوسان درجه حرارت در داخل ساختمان موثر بوده است. از مزایای دیگر قرار گرفتن بنا در داخل زمین، مقاومت بهتر ساختمان در مقابل نیروی زلزله است. مزیت سوم و بسیار مهم دیگر آن امکان سوارشدن آب جاری در جویی است که از آب قنات سرچشمه می‌گرفته است (قبادیان، بی‌تا، ۲۸۴-۲۸۳).

حمام صفا دارای پنج آب‌انبار است، دو آب‌انبار آن با ظرفیتهای آبیگری صد و پنجاه و هفتاد هزار لیتر، برای مصارف سرویسهای بهداشتی، دو آب‌انبار بزرگتر آن با ظرفیتهای آبیگری دو میلیون و چهارصد هزار لیتر برای شستشو و نظافت و بالاخره یک آب‌انبار هم برای آب نماها که ظرفیت آبیگری آن به جهت قرار گرفتن در زیر خیابان مشخص نیست، این آب‌انبارها، آب مورد نیاز مشتریان را تأمین می‌کردند. آب‌انبارها تا قبل از وصل شدن حمام به شبکه آب شهری در سال ۱۳۴۷ شمسی، در فصل بهار آبیگری می‌شدند.

هنگام احداث خیابان مولوی، شهرداری قسمتی از حمام و ورودی آن را به طول ۴۱ متر و عرض ۲/۲۰ متر تخریب کرد و مالک آن بناچار ورودی دیگری را برای آن در نظر گرفت. در طرفین ورودی حمام دو سرباز بر روی سنگ حجاری شده است و در سردر حمام کتیبه‌ای

مستطیل شکل به خط نستعلیق تعبیه کرده‌اند که تاریخ بنا را سال ۱۲۵۹ هـ ق توسط حاجی حسن بن عبدالله تبریزی ذکر کرده و اشعار زیر در آن منقوش شده است:

این همایون طاق و این نزهت سرای دلپذیر  
از صفایش اصفیا خوانند حمام صفا  
الملک‌الله

چون شد از سعی شه ملک فنا محو علی  
ابن خیرالحاج عبدالله تبریزی بنا  
از پی تاریخ انجامش سروش غیب گفت  
وه چه حمام صفا لایق باخوان صفا  
(گلریز، ۱۳۶۸: ۳۲۵)

ورودی حمام با دوپله در ابعاد  $۱۵۵ \times ۳۵$  سانتی‌متر و ارتفاع ۲۰ سانتی‌متر از جنس آجر و سنگ پائین‌تر از گذر عمومی با در چوبی دو لنگه به ارتفاع دو متر و عرض ۱۲۰ سانتی‌متر با رنگ قهوه‌ای تیره و با گل میخ‌های درشت و دو نوار آهنی پهن و نقش‌دار که جهت تزئین آن به کار برده‌اند، شروع می‌شود. بر روی هر لنگه در کوبه‌ای نصب شده است. اهمیت محرمیت و حفظ حرمت و پوشش موجب شده بود که برای مردان و زنان دو کوبه‌ی جداگانه و با شکل‌های مُعین بر روی لنگه‌های در نصب گردد. کوبه‌ای که صدای بم داشت، مختص مردان بود و کوبه‌ای که صدای زیر داشت مختص زنان بود (سلطان‌زاده، ۱۳۷۱: ۱۳). علت نصب دو کوبه بر روی دو لنگه در به این جهت بوده که از این حمام مردانه گاهی مواقع زن‌ها هم استفاده می‌کردند.

پس از در ورودی، ده پله در ابعاد  $۱۳۵ \times ۳۵$  و ارتفاع ۲۵ سانتی‌متر از جنس سنگ قرار دارد. بعد از آخرین پله، در دو لنگه چوبی بدون شیشه به طول ۱۸۵ سانتی‌متر و عرض ۱۰۰ سانتی‌متر با رنگ قهوه‌ای تیره قرار گرفته که یک لنگه آن همیشه بسته و لنگه دیگرش با یک تکه کش لاستیکی مهار شده است، تا مانع خروج گرما شود. علت اینکه این در را نسبت به در اصلی کوچکتر می‌ساختند از آن جهت بود که مشتریان با تواضع و فروتنی به این مکان پاک وارد شوند. این در با پنج پله به طول ۱۲۰ سانتی‌متر و عرض ۳۰ سانتی‌متر و ارتفاع ۲۵ سانتی‌متر از جنس موزائیک راهرو ورودی را از سربینه جدا می‌کند. در راهرو ورودی یک در قهوه‌ای رنگ تیره در ابعاد  $۱۸۵ \times ۶۵$  سانتی‌متر در دیوار جهت ورود به پشت‌بام نصب کرده‌اند. در سمت راست پله‌ها یک نرده آهنی که آنرا با رنگ سفید رنگ کرده‌اند به طول  $۲/۱۰$  متر و ارتفاع ۶۵ سانتی‌متر نصب شده است.

## سربینه یا رخت کن

سربینه نخستین بخش حمام است که با دو در ورودی و با هفده پله و یک راهرو خمیده از خیابان اصلی جدا می‌شود. خمیدگی راهرو در گرم نگاهداشتن حمام نقش دارد و نمی‌گذارد که دمای یک بخش به آسانی با بخش دیگر در هم آمیزد. ضمناً راهرو برای جلوگیری از دید یک بخش به بخش‌های دیگر مانع خوبی به‌شمار می‌آید. به‌طوریکه اگر در ورودی گرما به باز بماند درون گرمابه از چشم رهگذران پنهان می‌ماند و سرمای بیرون به آسانی در فضای گرما به رخنه نمی‌کند (جوهری، ۱۳۸۰: ۲۳۰). سربینه فضایی است هشت بر به وسعت تقریبی ۲۰۰ مترمربع، مشتمل بر هشت ستون سنگی یک تکه از جنس سنگ خارا، این محوطه را یک طاق گنبدی در وسط، و شش نیم‌طاق در اطراف پوشانده است. در گذشته روشنایی حمام در روز از طریق نورگیرهایی سفالی که در راس گنبدها قرار داشت تأمین می‌شد. برای این منظور ظرف سفالی مانند را به نام باجه بر بالای طاق‌های گنبدی کار می‌گذاشتند و اطراف و راس ظرف سفالی را باندازه یک نعلبکی در می‌آوردند و بجای آن شیشه‌های رنگی تعبیه می‌کردند، سپس این ظرف را روی گنبد قرار می‌دادند و دور تا دور آن را با ملات ساروج آب‌بندی می‌کردند و یا گاهی مواقع از ورقه‌های نازک سنگ مرمر استفاده می‌کردند.

در شب‌ها با توجه به تغییر زمان، فانوس، چراغ نفتی، چراغ موشی، چراغ زنبوری به کار می‌بردند و بالاخره در حال حاضر به جای باجه‌ها، نیم کره‌های شیشه‌ای در سقف قرارداده‌اند و از برق هم جهت روشنایی سربینه هم در روز و هم در شب استفاده می‌شود.

در اطراف دیوارهای رخت‌کن، هجده طاقچه وجود داشت که از آنها برای قراردادن صابون، لیف، کیسه، چای، قند، استکان نعلبکی، بلور چینی و... جهت تزئین حمام استفاده می‌شد. که در حال حاضر جلوی آنها را با یک تیغه پوشانده‌اند.

در اطراف هشت بر سربینه غرفه‌هایی وجود داشت که مشتریان پس از درآوردن لباس خود، آنها را در بقچه‌ای نهاده و ضمن گذاشتن آن در گوشه‌ای از غرفه با بستن لنگ به دور خود آماده رفتن به حمام می‌شدند. ضمناً در دو قسمت شرقی و غربی آن دو حوض وجود داشت که مشتریان در اطراف آن می‌نشستند و به گفتگو درباره مسائل مختلف روز می‌پرداختند. برای محترمین که تمایلی به گفتگو با دیگران نداشتند در کنار یکی از آن دو حوض صندلی قرار

می‌دادند و تا خشک شدن عرق بدنشان بر روی آن استراحت کنند و در عین حال با چای از آنها پذیرایی می‌شد.

در حدود سی سال پیش دور تا دور سرپینه را بموازات دیوارها با ۷۰ قفسه چوبی بدون شیشه به طول ۱۴۰ سانتی متر و عرض ۳۸ سانتی متر به رنگ سفید برای قرار دادن لباس مشتریان و جا دادن لنگ‌ها و... جاسازی کرده‌اند. در ضمن در حال حاضر یک قفسه چوبی شیشه‌دار در ابعاد ۲۲۰×۲۰۰ سانتی‌متر به قفسه‌های قبلی اضافه نموده‌اند و اشیایی از قبیل جوراب، زیرپوش، شورت، ماشین ریش‌تراش، کیسه، لیف، شامپو، صابون و غیره را برای فروش در معرض دید مشتریان قرار داده‌اند. همچنین در ضلع جنوب‌غربی سرپینه فضای کوچکی را به قهوه‌خانه اختصاص داده‌اند و با چای از مشتریان پذیرایی می‌کنند. در قسمت شمالی سرپینه و نزدیک پله‌های ورودی میز فلزی‌ای که در پشت آن دخل قرار دارد با دو صندلی از همان جنس و تشکی کوچک بر روی یکی از آنها جهت نشستن استاد حمامی قرار دارد. قبلاً بجای این میز فلزی تخت چوبی یا نیمکت چوبی که با فرش مفروش شده بود قرار داشت و استاد حمامی روی آن می‌نشست و یک جام فلزی یا برنجی بنام دخل در مقابل او قرار داشت.

کف سرپینه را با سنگ مرمر پوشانده‌اند و بر روی آن در چند گوشه برای نشستن لنگ و پادری قرار داده‌اند. ضمناً در حال حاضر در فصل زمستان جهت گرم نگاهداشتن این فضا از یک بخاری گاز سوز استفاده می‌کنند.

صحن سرپینه محوطه‌ای است که دو پله پائین‌تر از ایوان رخت‌کن قرار گرفته. در وسط آن حوض آبی رنگ هشت ضلعی به عمق ۳۵ سانتی متر و ابعاد ۲×۲ مترمربع قرار دارد. جنس آن ابتدا از سنگ مرمر بوده و داخلش را هم با کاشی آبی رنگ تزئین کرده بودند ولی در حال حاضر داخلش را با سرامیک پوشانده‌اند و دارای فواره ای است. در اطراف حوض، چهار سنگ آب از سنگ مرمر نصب شده بود که به شکل شیر حجاری شده بود و پشت دو تا از شیرها سنگ آبهای مستدیر و در پشت دو تای دیگر سنگ آبهای کشکولی قرار داشت (گلریز، ۱۳۶۸: ۳۲۴).

در حال حاضر هیچیک از اشیاء یاد شده در حمام وجود ندارند و آنها را برای محفوظ ماندن از دستبرد عتیقه دزدان در اختیار سازمان میراث فرهنگی قزوین قرار داده‌اند تا از آنها محافظت شود.

دور تا دور صحن سرپینه کته‌های جاکفشی در ابعاد مختلف و از جنس سنگ مرمر ساخته‌اند و



مشتریها با توجه به موقعیت اجتماعیشان کفشهای خود را در آنها می گذاشتند و یا جامه دار کفشهای آنها را می گرفت و در جای مخصوص قرار می داد و هدایتشان می کرد و مطابق شان و مقام و سر و وضع شان لنگ نو یا نیمداری در کنارشان می گستراند یا لنگ را دو تا کرده به طرفشان پرت می نمود. لنگی که بمنزله جا رختی آنها به حساب آمده و می بایستی البسه خود را در آن بگذارند و لنگی دیگر که به کمر بسته تا ستر عورت نمایند و وارد گرمخانه شوند. (شهری، ۱۳۷۰: ۴۷۶).

### گرمخانه

سربینه از طریق یک راهرو مارپیچ به طول تقریبی چهار متر به گرمخانه راه می یابد و سرویسهای بهداشتی در این راهرو قرار دارند. زیربنای گرمخانه همانند سربینه است. در گرمخانه حوضی هشت بر از سنگ مرمر در ابعاد  $۳ \times ۳$  متر و عمق ۸۰ سانتی متر در وسط آن قرار دارد. قبلاً بجای آن چهار حوضچه در ابعاد  $۶۰ \times ۶۰$  سانتی متر قرار داشت که کف آنها را با سنگ مرمر پوشانده بودند. طاق گرمخانه همانند سربینه گنبدی شکل است و هشت ستون طاق گنبدگون آن را بر دوش گرفته است. نور گرمخانه به همان طریقی تأمین می شود که در مورد سربینه توضیح داده شد. خزینه با چهار پله بالاتر از کف حمام و با عمق  $۱/۵$  تا ۲ متر در ابعاد  $۵ \times ۴$  متر در قسمت جنوبی قرار گرفته بود. در طرفین خزینه دو دستک در ابعاد  $۴ \times ۴$  مترمربع برای کودکان ساخته بودند تا از ورود آنها به داخل خزینه و احیاناً غرق شد نشان ممانعت به عمل آورند.

گرمخانه دارای چند بخش بوده، آن بخش از گرمخانه که فوق العاده گرم بود جهت وزن کم کردن به ورزشکاران اختصاص داشت. بخشی را که هوای آن ملایم تر بود برای افرادی که طبعی گرم داشتند در نظر گرفته بودند. برای افراد سرشناس که تمایلی به استفاده از خزینه نداشتند یک حوض در ابعاد  $۱۴۰ \times ۷۵$  سانتی متر ساخته بودند تا بجای وارد شدن در خزینه از آن حوض استفاده کنند. در شمال شرقی گرمخانه، نورخانه در ابعاد  $۳ \times ۴$  متر قرار گرفته است. درمجاور گرمخانه استخر سرپوشیده ای در ابعاد  $۸/۳۰ \times ۴/۶۰$  متر و با عمقی متفاوت از ۱۶۰ تا ۱۸۰ سانتی متر مجهز به سکوی شیرجه برای شنا و گذران اوقات فراغت قرار داشت، (این استخر در حال حاضر از آب تهی است)، و چهار ستون سنگی طاق گنبدی شکل آن را بدوش می کشند.

در ضمن از آب استخر بعنوان یک منبع ذخیره آب جهت پرکردن خزینه استفاده می‌شده است. بدین ترتیب در مواقعی که آب خزینه در اثر مصرف مشتریان کاهش می‌یافت آب استخر را بوسیله لوله‌های سفالی به خزینه منتقل می‌کردند و یا با سطل این کار را انجام می‌دادند.

رسم چنین بود که مشتریان قبل از ورود به گرمخانه پای خود را در حوضچه‌ای می‌شستند و قدم به صحن گرمخانه می‌نهادند و بلافاصله وارد خزینه آب گرم می‌شدند و پس از مدتی ماندن در آب و خیس خوردن و نرم شدن بدن، بیرون می‌آمدند تا به نظافت خود بپردازند. بسیاری هم کار کیسه‌کشی را به دلاک‌ها می‌سپردند (فتحی، ۱۳۷۰، ۱۹).

ابتدا دلاک لنگ خشکی را برای او پهن می‌کرد و لنگ خشک دیگری را چنبر کرده و زیر سرش قرار می‌داد و شروع به کیسه‌کشی می‌کرد. البته دلاک این کار را برای محترمین انجام می‌داد در غیر این صورت برای کیسه‌کشی افراد عادی از لنگ استفاده نمی‌کرد بلکه آنها روی سنگ گرمخانه دراز می‌کشیدند و کیسه‌کش شروع به کیسه کشیدن می‌نمود. دلاک برای گرفتن انعام و خوش خدمتی گاهی با کیسه محکم بر اعضای بدن مشتری می‌کوفت و صدایی از آن بیرون می‌آورد و زمانی هم چرکهای لوله شده را در برابر چشم وی قرار می‌داد. سپس چند دلوچه آب بر سر و روی مشتری می‌ریخت، بعد مشتری را روی سکوی نزدیک حوضچه می‌نشاند و سر و تنش را لیف و صابون می‌زد. بعد از این کار مشتری بار دیگر وارد خزینه می‌شد و وقتی بدن خود را خوب شست‌وشو می‌داد برای خارج شدن از خزینه یا خود با صدای بلند تقاضای خشک می‌کرد و یا به دلاک اشاره می‌کرد و دلاک هم با فریاد خشک، خشک بیار سربینه‌دار را خبر می‌کرد و سربینه‌دار هم دو لنگ خشک می‌آورد، مشتری لنگ خیس را از خود جدا می‌کرد و یکی از لنگهای خشک را بدور کمرش می‌بست و یکی را هم بر روی سرش یا شانه‌اش می‌انداخت (نجمی، ۱۳۷۰: ۴۳۵). مشتری بعد از استحمام به هنگام خروج از گرمخانه پاهای خود را در حوضچه آب می‌کشید و مجدداً به سربینه وارد می‌شد و در غرفه مخصوص خود می‌نشست و در حین استراحت و پذیرایی با دوستان خود به بحث و گفتگو می‌پرداخت. در این گفت‌وگو، بسیاری از مسایل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه مطرح و تصمیماتی گرفته می‌شد (ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۱۸). اجرت و مزدکارگران حمام هنگام خروج، پرداخت می‌شد. میزان پول پرداختی بستگی به نحوه پذیرایی و مواد مصرفی مشتریان داشت (راوندی، ۱۳۷۲: ۴۹۷).

## گرم کردن آب حمام

در زیر خزینه حمامها (مردانه و زنانه) دو دیگ بزرگ از جنس چدن در حد فاصل بین آب و آتش قرار داشت که به آنها تیان می‌گفتند. آب آنها بوسیله دو کوره جداگانه بنام تون که هر یک در ابعاد  $2 \times 1/5$  متر بود گرم می‌شد. برای روشن کردن کوره‌ها و گرم نمودن تیان‌ها از سرگین (فضولات حیوانات) که تا دهه‌های ۱۳۳۰ در شهر قزوین به وفور یافت می‌شد، استفاده می‌کردند. ضمناً از خارهای بیابان (ورک) جهت مشتعل شدن سریع فضولات استفاده می‌شد. برای تامین سوخت حمامها یک نفر را استخدام کرده بودند تا سرگین مورد نیاز را از طویله‌های دامداران جمع‌آوری کند و آنها را توسط یک چهارپا تا نزدیک پشت‌بام حمام حمل نماید. بعد آنرا به پشت بام انتقال دهد. پس از انتقال پهن‌ها به پشت بام تون تا پمقداری آب بر روی آنها می‌ریخت و با بالازدن پاچه‌های شلوارش شروع می‌کرد به لگدمال کردن فضولات دامها، آنگاه آنها را با دست به شکل بیضی در می‌آورد و در گوشه‌ای از پشت‌بام قرار می‌داد تا خشک شوند. بعد از خشک شدن آنها را در انباری که برای نگهداری آنها در نظر گرفته بودند انتقال می‌داد و بتدریج از آنها استفاده می‌نمود.

ساختن کوره‌ها و مجراهای حمامها قواعدی عام داشت که برای تمام حمامها مرعی می‌گردید. به این ترتیب که باید خزینه آب گرم و کوره‌ی زیر آن در نقطه‌ای از حمام قرار گیرد که حرارت و دود حاصل از تون، از طریق دالانهای زیرزمینی که به گریه‌رو، کوچ‌بندی و یا زیرکار خوانده می‌شدند به دودکشها انتقال پیدا کنند (شهری، ۱۳۷۰: ۵۱۹).

این گریه‌روها از زیر کف حمام عبور داده می‌شدند و باعث انتقال حرارت در فضای حمام، خصوصاً در گرمخانه می‌شدند. چون فضای گریه‌رو دوده می‌گرفته و احتیاج به تمیز کردن داشته، معمولاً ابعاد آن را به اندازه‌ای می‌ساختند که یک نفر به‌طور خمیده بتواند وارد آن شود و تعمیرات احتمالی و یا نظافت آن را انجام دهد. روی گریه‌روها را با سنگهای ورقه مرمر و یا سنگهای مشابه می‌پوشاندند. این نوع سنگها نه تنها امکان تبادل حرارت بین گریه‌رو و فضای داخل حمام را میسر می‌کرده بلکه، از نظر دوام، نظافت و شستشو سطح آن، بهتر از مصالح دیگر بوده است (قبادیان، بی‌تا، ۲۸۱).

امروزه حمام صفا با تغییراتی که از چند دهه گذشته در فضاهای مختلف آن بوجود آورده‌اند،

توانسته عملکردش را حفظ کند، در گرمخانه، ورودی خزینه را با تیغه‌ای آجری مسدود کرده‌اند و بجای آن شش دوش نصب کرده‌اند که در حال حاضر بخاطر کاهش مشتری سه دوش آن مورد استفاده قرار می‌گیرد و از تون حمام برای محل نصب تاسیسات جهت گرم کردن آب حمام استفاده شده است.

## کارکردهای اجتماعی - فرهنگی حمام

### ۱. مبادله اطلاعات

حمام که احتیاج عمومی را از جهت نظافت و بعضی تکالیف مذهبی تامین می‌کرده، برای بالابردن سطح بهداشت و سلامت عمومی یک عامل بزرگ به حساب می‌آمده است و از جهتی مرکز خبرها و اطلاعات اجتماعی بوده (باستانی پاریزی، ۱۳۶۸: ۴۹).

در حمام صفا رخت‌کن و غرفه‌های آن نقش مهمی در تجمع افراد مختلف داشته است. اگر چه در سرینه حمام هیچ گونه تقسیم‌بندی در غرفه‌ها برای افراد خاص در نظر نگرفته بودند ولی نوعی تقسیم‌بندی ضمنی وجود داشت که افراد معتبر پس از خروج از گرمخانه در آنجا می‌نشستند و راجع به مسائل مختلف از جمله: کسب و کار، حکومت، مسائل جاری اتفاق افتاده، بازار، حوادث تلخ و شیرین، نحوه عزاداری در ماه محرم و صفر و ماه رمضان، راجع به کمک به ایتم، بیوه زنان و... به گفتگو می‌پرداختند و پس از اخذ تصمیمات لازم از حمام خارج می‌شدند.

### ۲. تفریح و گذراندن اوقات فراغت

در گذشته که وسایل ماشینی چون اتومبیل، رادیو، تلویزیون، سینما و... برای مردم عادی وجود نداشت. اگر فرصت و فراغتی برای آنها پیش می‌آمد وقت خود را به گفتگو و دید و بازدیدهای دوستانه سپری می‌کردند (راوندی، ۱۳۷۱: ۵۴۷). همچنین حمام، محل وقت‌گذرانی، تفریح و ملاقات دوستانه بوده، خصوصاً زنان که بیشتر اوقات خود را که دور از اجتماع و در چهار دیواری خانه سپری می‌کردند، رفتن به حمام بالاترین وسیله شادی و تفریح به شمار می‌آمد و آنها قرار ملاقاتهای دوستانه خود را در حمام می‌گذاشتند (هانری، ۱۳۷۸: ۱۶۹). مذاکرات

خصوصی خانمها با یکدیگر در حمام صورت می‌گرفت، تازه‌ترین رویدادهای شهری را با یکدیگر در میان می‌گذاشتند (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۴۷). در هر گوشه‌ای از حمام عده‌ای از زنان مشغول درد دل می‌شدند. رازها و ماجراهای داخلی و اخلاق و اطوار و مهر و بی‌مهری شوهرانشان را بایکدیگر به‌میان می‌گذاشتند و به شکوه و شکایت و صلاح اندیشی با گیس سفیدان می‌پرداختند (راوندی، ۱۳۷۲: ۵۱۰).

حمام محلی بود که زنان می‌توانستند برای برادران و فرزندان خود دختری شایسته برگزینند. زیرا علاوه بر صورت ظاهر و سلامت و زیبایی اندام از نجابت و عدم نجابت و سنگینی و جلفی دختر اطلاع پیدا می‌کردند. چه دخترهای نجیب خانواده‌دار و با اصل و نسب بیش از هر مکان در حمام از دختران بی‌بند و بار و سبکسر متمایز می‌گردیدند (شهری، ۱۳۷۰: ۵۴۴).

جوانان هم در بیشتر شبهای ماه رمضان در حمام جمع می‌شدند و اوقات خود را با ترنا بازی و گل یا پوچ سپری می‌کردند. در جریان این بازیها و گردهمائیها بسیاری از کدورتها، دشمنیها و رنجشها، طی مراسمی گرم و با فرستادن صلوات و خوردن چای و زولبیا از بین می‌رفت و محیطی سرشار از صفا و صمیمیت و جوانمردی بوجود می‌آمد (ورجواند، ۱۳۷۳: ۲۳۳).

### ۳. حمام دامادی

چون در هر ماه غیر از ایام سوگواری چندین حمام دامادی برگزار می‌شود، داماد می‌بایست از قبل برای رفتن به حمام با صاحب آن هماهنگی لازم را بعمل آورد. صاحب حمام روز خاصی را برای برگزاری این مراسم در نظر می‌گیرد و تمهیدات لازم را از قبیل صابون، حنا، تیغ، داروی نظافت و... تدارک می‌بیند.

در روز تعیین شده داماد باتفاق دوستان و خویشاوندان نزدیک خود باساز و دهل وارد حمام می‌شود. چون این حمام تقریباً چهار ساعت طول می‌کشد لازم است وسایل پذیرایی از مهمانان مهیا شود. گاهی داماد، دوستان و خویشاوندان او بعد از صرف شام به حمام می‌روند که در این حالت مدعوین با توجه به فصل سال با شربت و میوه و شیرینی و چای پذیرایی می‌شوند، در غیر این صورت شام را هم در حمام صرف می‌کنند. در طی این مدت نوازندگان به خواندن و نواختن آهنگهای شاد مشغولند و مدعوین هم به شادی و پایکوبی می‌پردازند. پذیرایی کنندگان یا

دوستان داماد هستند و یا اینکه کارگران حمام این وظیفه را به‌عهده دارند. به‌هنگام پایان مراسم عده‌ای از نزدیکان داماد لباسهای او را پنهان می‌کنند و تا انعام به آنها داده نشود محل مخفیگاه را فاش نمی‌کنند. بعد از اتمام مراسم داماد را با سلام و صلوات از حمام خارج می‌کنند.

#### ۴. حمام عروس

حمام عروس در همان روز ولی زودتر از حمام داماد برگزار می‌شود. این مراسم توسط خود خانمها به اجرا در می‌آید و تنها کاری که صاحب حمام باید انجام دهد این است که یکی از کارگران خود را طی مدتی که مراسم ادامه دارد در اطراف حمام بگمارد تا نامحرمی پنهانی به پشت بام نرود و مزاحمتی برای خانمها ایجاد نکند. پس از پایان مراسم، عروس را درحالی که چادر سرش کرده‌اند و او روی خود را بشدت پوشانده‌است با هلهله و شادی از حمام خارج می‌کنند.

#### ۵. از سوگ در آوردن عزاداران

پس از اینکه خانواده‌ای یکی از عزیزان خود را از دست داد، صاحبان عزا لباس سیاه به تن می‌کنند و در سوگ او به ماتم می‌نشینند و از آرایش خود و تراشیدن موی صورت خودداری می‌کنند و از شرکت در مجالس عقد و عروسی خود داری می‌نمایند، صاحبان عزا به پاس محبت‌های دوستان، خویشاوندان و همسایگان و اینکه بسیاری از آنها مجالس عقد و عروسی خود را به احترام متوفی و کسان او عقب انداخته‌اند می‌کوشند که تا این مراسم برای مدت زیادی به تعویق نيفتند (همایون، ۱۳۷۱: ۵۵۷). پس از اینکه هفت متوفی سپری شد یکی از بزرگان محل پیش قدم می‌شود و از خانواده متوفی درخواست می‌کند تا از سوگ بدر آیند. به این ترتیب آنها را به سلمانی می‌برند تا موی سر و صورت را اصلاح کنند، سپس به حمام می‌روند، پس از استحمام لباس سیاه را از تن بیرون می‌آورند و لباسهای رنگی می‌پوشند.

## ۶. رفع اختلافات

هر جامعه‌ای روشهایی را برای پایان دادن به منازعات و جلوگیری از انحرافات دارد که متأثر از فرهنگ آن جامعه است. این تفاوتها می‌تواند رسمی یا غیررسمی باشد. در جامعه ما با وجود دادگاهها، بیشتر دعوای خانوادگی و محلی در خارج از حیطه محاکم رسمی فیصله می‌یابند. در ضمن دروسرها و تشریفات رسمی داوری، طرفین درگیر را به استفاده از راههای غیررسمی تشویق می‌کند.

از طرف دیگر مراجعه به دادگاه، برای طرفین دعوی که برقراری مجدد مناسبات اجتماعی برای آنها حائز اهمیت است مناسب نیست (دانیل بیتس، فرد پلاک، ۱۳۷۵: ۶۳۹). در ضمن، هنوز افکار عمومی پذیرای خاتمه دادن به اختلافات در چارچوب نظامهای رسمی نیست و مراجعه به دادگاه برای رفع اختلافات خانوادگی و محلی دارای قباحت است. از این جهت از روشهای میانجیگری استفاده می‌شود. برای خاتمه دادن به این اختلافات، فردی بنام واسطه که معمولاً از افراد با نفوذ و مورد احترام طرفین است با تشویق دوستان و آشنایان طرفین درگیر پا پیش می‌گذارد و آنها را به ملاقات با یکدیگر در حمام دعوت می‌کند. دو طرف شاکی به همراه دوستان و خویشاوندان خود در روز مقرر در حمام موردنظر حضور پیدا می‌کنند. پس از استحمام هر یک از طرفین به اتفاق اعضای گروه خود در گوشه‌ای از حمام اجتماع می‌کنند. ابتدا واسطه شروع به سخن گفتن می‌کند و با استعانت از کلمات معصومین دو طرف درگیر را تشویق به آرامش و خویشتن داری و برقراری روابط اجتماعی می‌کند. آنگاه از هر یک از شاکیها و شاهدان عینی آنها می‌خواهد تا دلایل خود را مطرح کنند. چون محیط غیررسمی است طرفین خیلی راحت می‌توانند مسائلشان را به طور کامل بیان کنند، واسطه پس از استماع اظهارات و دلایل طرفین و شهودهای آنها به داوری می‌پردازد و از دو طرف درگیر می‌خواهد با قرارداد دست خود بر روی قرآن و با یاد خدا و سوگند خوردن، دشمنی‌ها و کدورت‌های خود را کنار بگذارند و گذشته‌ها را فراموش کنند و مجدداً روابط اجتماعیشان را به طور معمول از سرگیرند. پس از این مراسم از طرفین با چای و شیرینی پذیرایی می‌شود.

## نتیجه‌گیری

حمام صفا واقع در خیابان مولوی شهر قزوین با معماری منحصر به فرد خود که یادگار عصر قاجاریه است تا به امروز از دستبرد تیغه‌های لودر و مدفون شدن در زیر ساختمان‌های جدیدالتأسیس در امان مانده است. این اثر تاریخی که رازهای بسیاری را در خود پنهان دارد، در تجمع افراد، آگاهی از حوادث زندگی، پیوندهای اجتماعی، مشارکت فعالانه مردم در حیات جمعی، برگزاری مراسم و تشریفات خانوادگی و محلی، حمام بردن داماد و عروس، خاتمه دادن به اختلافات و درگیری‌ها، از عزا در آوردن سوگواران و همچنین در گذراندن اوقات فراغت جوانان، ایجاد روحیه صفا و صمیمیت و... نقش ارزنده‌ای داشته است. این نقشها برای بسیاری از مردم تا به امروز ناشناخته مانده است و باید با پژوهشهای ژرفانگر به مردم معرفی شود. ولی شرایط اجتماعی و اقتصادی امروز بگونه‌ای است که هر آنچه را که به گذشته مربوط می‌شود باید به دست فراموشی سپرد و با داس مرگ آنها را درو کرد. در حالی که باستان شناسان با صرف هزینه‌های گزاف با کاوش و خاکبرداری در پی یافتن نشانه‌هایی از محیط زیست و اقتصاد معیشتی ساکنان مناطق مختلف کشور در دوران‌های پیش از تاریخ می‌شوند، ما امروز شاهد تخریب و از بین رفتن بسیاری از آثار تاریخی استان قزوین مانند بازارها، کاروانسراها و آب انبارها و... هستیم. بیم آن می‌رود که این حمام تاریخی با توجه به وسعت آن و قرار گرفتن در خیابان پرتردد و تجاری مولوی و ارزش اقتصادی پیدا کردن زمین آن، با قیمت خوبی به فروش رود و جای آن را فروشگاه‌های مختلف که با بافت سنتی منطقه بیگانه خواهد بود و موجب از هم گسیختگی فرهنگی خواهد شد، پُر کنند. بنابراین شایسته است تامسؤلان سازمان میراث فرهنگی استان قزوین این اثر ملی را حفظ و با تغییر کاربری آن به فرهنگی از تخریب آن جلوگیری به عمل آورند.



## پی‌نوشتها

۱. ترنابازی یا ڈرنا بازی، نوعی بازی که در آن یکی شاه و یکی دزد شود و برای اجرای حکم شاه با ترنا به تن دزد زند. (نجفی ابوالحسن، فرهنگ فارسی عامیانه، تهران، انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۸، جلد اول، ص ۳۰۹).
۲. گل یا پوچ، نوعی شرط‌بندی یا قرعه‌کشی، بدین صورت که دو مشت بسته خود را که یکی خالی و دیگری پر باشد به طرف نشان دهند، از او می‌خواهند که مشت پر را پیدا کند. (نجفی ابوالحسن، فرهنگ فارسی عامیانه، تهران، انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۸، جلد دوم صص ۱۲۴۷-۱۲۴۶).
۳. مطالعات لوله‌کشی آب قزوین در سال ۱۳۴۲ آغاز گردید و سه سال بعد یعنی در سال ۱۳۴۵، لوله‌گذاری در نقاط مختلف شهر شروع شد و تا سال ۱۳۴۷ نیمی از شهر از آب لوله‌کشی استفاده می‌کردند. (موسوی سید جواد، رئیس آب و فاضلاب استان قزوین).

## منابع و ماخذ

۱. ابراهیمی، معصومه (۱۳۸۲)، سربینه و کاربری آن در گرمابه‌های عمومی، خلاصه مقاله‌های همایش حمام در فرهنگ ایرانی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور؛
۲. آورزمانی، فریدون (۱۳۷۸)، نگاهی نو بر نقش برجسته‌ای کهن، در نمایه پژوهش شماره ۹ و ۱۰؛
۳. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۶۸)، گنجعلیخان، تهران، انتشارات اساطیر؛
۴. پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱)، سفرنامه (ایران و ایرانیان)، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران، انتشارات خوارزمی؛
۵. پیرنیا، محمد کریم (۱۳۷۴)، آشنایی با معماری اسلامی، تهران، دانشگاه علم و صنعت؛
۶. جاوید، هوشنگ (۱۳۸۳)، همایش حمام در کرمان، در فصلنامه فرهنگ مردم شماره ۱۰؛
۷. جواهری پرهام، جواهری، محسن (۱۳۸۰)، چاره‌ی آب در تاریخ فارس، تهران، گنجینه ملی آب ایران و کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران؛
۸. دانیل بیٹس، فردِ پلاک (۱۳۷۵)، انسان‌شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی،
۹. راوندی، مرتضی (۱۳۷۲)، تاریخ اجتماعی ایران، تهران، انتشارات نگاه؛
۱۰. سلطان‌زاده، حسین (۱۳۷۱)، فضاهای ورودی خانه‌های تهران قدیم، دفتر پژوهشهای فرهنگی با همکاری شهرداری تهران؛
۱۱. شهری، جعفر (۱۳۷۰)، طهران قدیم، تهران، انتشارات معین؛
۱۲. فتحی، هوشنگ (۱۳۷۰)، سونا، تهران، موسسه فرهنگ؛

۱۳. قبادیان، وحید (بی‌تا)، بررسی اقلیمی ائیه سنتی ایران، انتشارات دانشگاه تهران؛
۱۴. گلریز، سید محمدعلی (۱۳۶۸)، مینو در یا باب الجنه قزوین، قزوین، انتشارات طه، جلد اول؛
۱۵. محمودی، عباسعلی (۱۳۷۰)، آب و بهداشت در اسلام، تهران، دفتر تحقیق و نشر بهاران؛
۱۶. معین، محمد (۱۳۶۳)، فرهنگ فارسی، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، جلد دوم؛
۱۷. نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۸)، فرهنگ فارسی عامیانه، تهران، انتشارات نیلوفر؛
۱۸. نجمی، ناصر (۱۳۷۰)، طهران عهد ناصری، تهران، انتشارات عطار؛
۱۹. نراقی، حسن (۱۳۶۸)، حمامهای قدیمی ایران، ماهنامه ساختمان، بهمن و اسفند؛
۲۰. هانری رنه دالمانی (۱۳۷۸)، از خراسان تا بختیاری، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر طاوس، جلد اول؛
۲۱. همایون، صادق (۱۳۷۱)، فرهنگ مردم سروستان، انتشارات آستان قدس رضوی؛
۲۲. ورجاوند، پرویز (۱۳۷۳)، ترنابازی، دایره‌المعارف تشیع، تهران، بنیاد خیریه و فرهنگی شط، جلد چهارم.

## مصاحبه شوندگان

۱. اصغر ساریان‌ها
۲. علی‌اکبر عابدی
۳. محمد علی ساریان‌ها
۴. محمد فروزنده
۵. محمد لطفی
۶. موسی فروزنده